



ستم بر زن

یکی از ارکان عمده امارت اسلامی افغانستان را تشکیل می‌دهد

در ظرف سه سالی که از عمر نکبت‌بار و ننگین امارت اسلامی طالبان می‌گذرد، وضعیت زنان در افغانستان روزبروز به وخامت می‌گراید. در افغانستان مستعمره - نیمه فئودالی ستم بر زن جزء مهمی از ساختار اقتصادی - اجتماعی استثمارگرانه نیمه فئودالی رژیم طالبانی، با پشتیبانی و حمایت مستقیم و غیر مستقیم امپریالیزم اشغال‌گر امریکا و متحدینش و هم امپریالیزم روسیه و سوسیال امپریالیزم چین و متحدان شان صورت می‌گیرد.

امارت اسلامی افغانستان، رژیمی است دست‌نشانده و زیر سلطه امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم امریکا که در آن علاوه بر ستم طبقاتی ستم امپریالیستی نیز به شدیدترین وجه آن اعمال می‌گردد. ستم طبقاتی با ستم امپریالیستی پیوند تنگاتنگ دارد. زنان که نصف نفوس جامعه را در افغانستان احتوا می‌کنند علاوه بر ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی از ستم مردسالاری به شدیدترین وجه آن در رنج اند. این ستم به شکل شنیع آن بر زنان اعمال می‌شود. رژیم پوشالی طالبان و اربابان امپریالیستی‌اش حامی این ستم اند.

تاریخ به خوبی گواه آن است که امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم امریکا امروز نه تنها در افغانستان و عراق بل که در سطح منطقه و جهان از دیکتاتورترین، خائن‌ترین، میهن فروش‌ترین و بنیادگرایان مذهبی پشتیبانی و حمایت می‌کنند. آن‌هایی که از عقب‌مانده‌ترین ایده‌های کهن فئودالی دفاع می‌کنند، مورد حمایت بی‌چون و چرای امپریالیزم قرار دارند. بدین ملحوظ امروز رژیم زن ستیز و جنایت‌کار طالبان در راس قدرت در افغانستان قرار دارند. تجاوزات جنسی و قتل‌های ناموسی‌ای که در افغانستان زیر چتر امارت اسلامی افغانستان صورت می‌گیرد نه تنها که از طرف امپریالیست‌ها قابل نگرانی نیست، بل که مورد تأیید و حمایت قرار می‌گیرد. نشست سوم دوحه به خوبی بیان‌گر این مدعا است.

با روی کار آوردن دوباره طالبان توسط امپریالیزم امریکا زنان از تمام حقوق انسانی خویش محروم گردیدند. زنانی که تن به این خفت ندادند، دست به اعتراض علیه موضع خصمانه و زن ستیزانه طالبان زدند، اما اعتراضات زنان به شدیدترین وجه سرکوب گردید. تعداد زیادی از زنان معترض بازداشت و زندانی شدند و تعدادی مورد تعقیب و پی‌گرد طالبان قرار گرفتند و حتی شبانه آن‌ها را شناسایی و بازداشت نمودند. طالبان به این هم بسنده نکردند، بسیاری از زنان را زیر نام به اصطلاح بدحجابی در روز روشن از بین سرک‌ها با زور و چماق بازداشت نمودند. این زنان علاوه بر اینکه مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، شکنجه شدند و به شکل گروهی توسط طالبان مورد تجاوز جنسی نیز قرار گرفتند.

طالبان به خوبی از عواقب تجاوزات جنسی بر زنان و حتی مردان در جامعه افغانستان که فرهنگ فئودالی بر آن مسلط است، آگاهند. آن‌ها متوجه این امر هستند که اکثریت کسانی (اعم از زن و مرد) که مورد تجاوز قرار گیرند، به خاطر حفظ "آبرو و حیثیت" خانواده آن را مخفی می‌کنند و سکوت را بر افشاء آن ترجیح می‌دهند. و یا این که قبل از بازداشت دست از اعتراض می‌کشند و مهر سکوت بر لب می‌زنند. طالبان برای این که بتوانند چنین اعتراضاتی را مهار سازند از هیچ‌گونه عمل شنیع و جنایت‌کارانه دریغ نمی‌ورزند.

به تاریخ 14 سرطان 1403 خورشیدی کانال تلویزیونی افغانستان انترنشنل از قول روزنامه گاردین و رسانه رخشانه گزارش تجاوز جنسی گروهی طالبان بر یک زن معترض در زندان طالبان را پخش نمود. این گزارش واقعاً تکان دهنده بود. در این گزارش آمده که یکی از زنان معترض در داخل زندان طالبان با تعدادی از طالبان در یک اتاق دیده شده که تمامی لباس زن را بیرون نموده و به وی تجاوز گروهی کردند، و از زن یک ویدئو نیز ضبط نموده اند. آن‌ها زمان تجاوز جنسی روی زن را با زور به طرف کمره بر می‌گشتاندند و به وی می‌گفتند که اگر بار دیگر اعتراضی بنمائی این ویدئو را پخش خواهیم کرد. این جنایت هولناک فقط برای ساکت نمودن زنان صورت گرفته و می‌گیرد. به احتمال قوی که این عمل شنیع و غیر انسانی بارها توسط گروه طالبان در زندان اتفاق افتاده و کسانی که قربانی این جنایت شده اند مهر سکوت را بر لب زده اند. با آن که این زن قربانی از خود شجاعت نشان داده و ویدئو تجاوز جنسی طالبان را به دسترس رسانه رخشانه و گاردین گذاشته است، معلوم می‌شود که از ایشان خواسته که فقط گزارش را پخش کنند، نه ویدئو را.

با صراحت باید گفت که هر قدر عمر ننگین این رژیم دست‌نشانده طولانی‌تر شود به همان اندازه تجاوز به زنان ابعاد گسترده‌تری بخود می‌گیرد. امارت اسلامی افغانستان ظاهراً از دیدگاه شریعت اسلامی اش با زنان نگاه می‌کند، آن‌ها قوانین مطروحه خود را یگانه محافظ امنیتی برای زنان به خورد جامعه می‌دهند، اما عملاً جهت عکس آن عمل می‌کنند. و یقیناً چند سال بعد که روسپی‌گری را که طالبان عامل فساد می‌دانند به طور گسترده‌ای دامن خواهند زد. نمونه بارز آن جمهوری اسلامی ایران است.

هرگاه تاریخ جهان را ورق زنیم و از دیدگاه عینی به آن بنگریم به خوبی دیده می‌شود که همین نظام امپریالیستی و نظام‌های کثیف مستعمره - نیمه مستعمره - نیمه فیودالی وابسته به آن‌ها بمثابة حامیان سرکوبگر سیستم مردسالار، مردان را دارای حقوق و مزایای ویژه نسبت به زنان می‌دانند، و همین نظام‌ها است که روسپی‌گری را تولید و باز تولید می‌نماید. همان‌طوری که جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان از دید شریعت اسلام تجاوزات جنسی و روسپی‌گری را گناه کبیره و عامل فساد قلم‌داد می‌نمودند، اما امروز خود بزرگ‌ترین عامل روسپی‌گری و تجاوزات جنسی در جامعه اند. گند رژیم استبدادی و زن ستیز طالبان در این موارد هم‌چو ایران و پاکستان چند سال بعد بیرون خواهد زد.

طالبان در گام نخست حق تعلیم و تربیت که حق طبیعی و بدیهی هر انسان است از زنان سلب نمودند و به تعقیب آن حق کار را از آن‌ها سلب نمودند. ... حالا برای این که زنان از حقوق خویش دفاع نکنند، به بهانه های مختلف زنان معترض را بازداشت نموده و عمل شنیع تجاوزات جنسی را انجام می‌دهند.

رژیم زن ستیز طالبان این حق طبیعی و بدیهی را فقط و فقط حق خود و خانواده‌های خود می‌داند و بقیه را از این حق محروم می‌نماید. امروز فرزندان شان (اعم از دختر و پسر) در کشورهای خارج به تحصیل مصروف اند، اما دختران طبقه ستم‌دیده حق ندارند که تحصیل کنند. رژیم طالبان که امروز نصف نفوس جامعه را از حق طبیعی و بدیهی‌اش محروم ساخته، لایق آن نیست که نام دولت بر او نهاده شود، بل که سزاوار آن است که او را دشمن غدار جامعه خطاب نمود. زنان مبارز و انقلابی کشور باید تن به این محرومیت ندهند، زیرا تن دادن به این محرومیت در حقیقت تن دادن عاطل و باطل نگاه‌داشتن توان رشدی و تکامل فکری و عقلی است. شاعری در این زمینه چنین می‌پوید:

جهالت را پرستش کفر عقل است	چنان‌چه لال بودن کفر نقل است
بود انسان به عقل و فکر انسان	به علم و خط زبان و ذکر انسان
اگر بنهد کسی بال تفکر	پر پرواز تعلیم و تذکر
ره دیو جهالت بساز گردد	فضا با دام و دد دم‌ساز گردد
نفس گیرد روان آلوده گردد	شرف انسانیت بی‌هوده گردد

امپریالیسم امریکا، امپریالیسم روسیه و سوسیال امپریالیسم چین از این امر به خوبی آگاهند و آگاهانه راه تعامل با طالبان را در پیش گرفته و آن‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهند. ما در سال گذشته زمانی که طالبان زنان را با جبر و زور از بین جاده‌ها زیر نام بی‌حجابی بازداشت می‌کردند در اعلامیه تحت عنوان " علیه بیدادگری و خشونت جنسیتی سبانه امارت اسلامی طالبان به پا خیزید " چنین بیان نمودیم:

« زنان مبارز افغانستان باید این نکته را درک کنند که کشورهای امپریالیستی یا "جامعه جهانی" و طالبان هر دو بدیل ارتجاعی است و هیچ وجه مشترکی با رهایی زنان ندارند.

امروز در افغانستان امپریالیسم امریکا برای این که پرده فریبی بر روی جنایات خود بکشد در لفظ آزادی زنان را علم می‌کنند، و عمل طالبان را در مورد زنان محکوم می‌نماید. ولی عملاً از آن‌ها حمایت به عمل می‌آورد. این حرکت امپریالیسم امریکا و متحدینش آگاهانه برای مهار نمودن مبارزات بر حق زنان می‌باشد و می‌خواهند که ازین طریق مبارزات زنان را تحت کنترل خویش درآورند.

امروز بطور قطع مرتجعین رنگارنگ در غالب ایدئولوژی‌های مختلف تلاش دارند تا زنان را به محیط خانه و خانواده زنجیر کنند، تنها معیار انقلابی برای سنجش دیدگاه هر فرد، در مورد زنان این است که تا چه حد خلاف این جهت‌گیری حرکت می‌کنند، یعنی تا چه حد این نیروها در صدد اند تا زنان را از مناسبات اسارت‌بار و مردسالار خانه و خانواده با هدفی غیر استثماراری جدا نموده و با اتکاء به نیروی خود آن‌ها را به اعمال قدرت سیاسی نزدیک‌شان سازند.»

ستم بر زن که در بالاترین رده‌های رژیم امارت اسلامی طرح‌ریزی می‌شود و توسط دستگاه سیاسی، اجرائی و محاکم عدلی طالبان به عمل در می‌آید، مورد حمایت امپریالیست‌ها - امریکا، روسیه و متحدین شان - و سوسیال امپریالیسم چین قرار دارد.

تاریخ افغانستان گواه آنست که زنان به همان اندازه که قربانی خشونت‌های ناموسی در افغانستان بوده اند، به همان اندازه قربانی تجاوزات جنسی بوده اند، اما امروز در زیر چتر نظام غیر انسانی طالبان این خشونت‌ها ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. تسلیم طلبانی که دیروز به ساز امپریالیست‌های اشغال‌گر می‌رقصیدند و از شعارهای کذابی دموکراسی خواهی امپریالیست‌ها دفاع می‌نمودند و در این باره ده‌ها مقاله و کتاب نوشتند تا ثابت سازند که اشغال‌گران برای «آبادی این کشور ویران شده آمده‌اند.» و «زنان را از چنگال قرون وسطایی‌ها نجات دادند.» چرا سر به زیر افکنده در مورد این گذشته ننگین تسلیمی خود چیزی نمی‌گویند و نمی‌نویسند. حقیقت همین تسلیمی‌ها و تسلیم طلبان بودند که زنان مبارز را از جاده مبارزه انقلابی منحرف نمودند. امروز که زنان نتوانسته‌اند راه‌هایی خود را بدانند و در مسیر درست و انقلابی حرکت کنند این است که در زمان اشغال کشور توسط امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم امریکا فریب شعارهای کاذبانه تسلیمی‌ها و تسلیم‌طلبان و حقه‌بازی‌های اشغال‌گران و رژیم پوشالی را خوردند.

ستم بر زن با ستم طبقاتی گره خورده و با زیربنای استثمار آن مرتبط است. ستم طبقاتی در رابطه تنگاتنگ با ستم امپریالیستی قرار دارد. امروز در افغانستان زن ستیزی و سلطه جوئی مرد بر زن در زیر چتر طالبان مانند گذشته به انواع و اشکال گوناگون اعمال می‌گردد، و امپریالیست‌ها حامی این ستم‌اند. بدون برانداختن ستم طبقاتی نمی‌توان تعدی و ستم امپریالیستی را از میان برد و بدون براندازی ستم و تعدی امپریالیزم نمی‌توان به ستم طبقاتی پایان داد.

فقط و فقط یک راه برای پایان دادن به این ستم وجود دارد و آن عبارت است از سرنگونی نظام استثمارگرانه و ستم کارانه طالبان و لغو کلیه امتیازات امپریالیست‌ها و به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری حزب پیش‌آهنگ پرولتاریا در افغانستان. با صراحت باید گفت که آزادی حقیقی زنان افغانستان در گرو کسب استقلال کشور و آزادی مردمان این سرزمین و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین است.

برای کسب آزادی حقیقی زنان، زنان و دختران آگاه باید قاطعانه و استوار دست به مبارزه زده و زنان مبارز و رزم‌جوی را در جهت سرنگونی قهری رژیم طالبانی متشکل نمایند و مردان انقلابی و آگاه وظیفه دارند، از این مبارزه حمایت نموده و فعالانه در پیش‌برد آن سهم بگیرند. شرکت زنان در این مبارزه یک ضرورت مهم اجتماعی است، زیرا بدون شرکت زنان که نصف نفوس جامعه را احتوا می‌کند، پیروزی انقلاب غیر ممکن است.

برای این که بتوان این مبارزه را هم‌آهنگ، درست و اصولی پیش برد از تمامی نیروهای انقلابی (اعم از زنان و مردان) می‌خواهیم تا با "کمیته اتحاد و انسجام نیروهای انقلابی افغانستان" تماس گرفته و همکاری نمایند.

زنجیرها را بگسلیم و خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها سازیم!

شکنجه و تجاوزات جنسی بر زندانیان باید متوقف گردد!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

نابود باد رژیم منحوس طالبان

مرگ بر امپریالیزم و سوسیال امپریالیزم

کمیته اتحاد و انسجام نیروهای انقلابی افغانستان

1403 / 4/18 خورشیدی --- 2024 / 07 / 08 میلادی

www.afghanistanRMY.org || CUCARF@afghanistanRMY.org